



خبر



خسوس سیلوا خبرنگار پرس تی‌وی در ونزوئلا درباره دلایل حضورش در این شبکه و سختی‌های تهیه گزارش برای پوشش اعتراضات و درگیری‌ها در ونزوئلا سخن گفت.

خبرنگار پرس تی‌وی در کاراکاس به مهر گفت: به نظر من، پرس تی‌وی در این زمینه نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری را ایفا می‌کند. این شبکه به مخاطبان خود فرصت می‌دهد که بتوانند از زوایای متفاوتی به تحولات کشورهای مختلف بنگرند و آن را آنچه توسط رسانه‌های جریان سلطه مخایره می‌شود، مقایسه کنند. به اعتقاد من، پرس تی‌وی توانست هژمونی آمریکا در حوزه رسانه و خبر را بشکند برای نمونه، اگر نگاهی به اخبار مرتبط با کشور خود یعنی ونزوئلا بیندازید، قطعاً متوجه خواهید شد که حقایق آن چیزی است که توسط پرس تی‌وی منعکس می‌شود، نه رسانه‌های غربی. خبرنگار پرس تی‌وی در کاراکاس در پایان یادآور شد: بارها بوده که برای پوشش اعتراضات و درگیری‌ها در ونزوئلا به همراه تیم خود به خیابان‌ها رفتم و درگیری‌های شدیدی را شاهد بودیم. گروه‌های مخالف حکومت که از حمایت آمریکا برخوردار بودند از هیچ اقدامی برای بی‌ثباتی و سرنگونی دولت مادورو فروگذار نمی‌کردند و همین مساله شرایط را برای تهیه گزارش سخت می‌کرد به نحوی که حتی در مواقعی احساس می‌کردیم که هر لحظه ممکن است جان خود را از دست بدهیم.



انیمیشن «پرنده طلایی» از تولیدات مرکز پویانمایی صبا در ایام میلاد باسعادت امام هشتم هر روز ساعت ۱۸ از شبکه نهال به روی آنتن می‌رود.

به گزارش جام‌جم، مجموعه انیمیشن «پرنده طلایی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مجید شاکری با تکنیک سه‌بعدی برای گروه سنی کودک و نوجوان در ۱۴ قسمت ساخته شده است و محور اصلی آن در رابطه با آشنایی بیشتر مخاطبان با امام‌زراع) و نمایش صفات پسندیده اخلاقی همچون ایثار، استقامت، نوع‌دوستی، مهربانی و رحمت ایشان است.

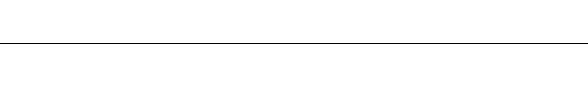
این داستان به قلم نژلا نوشیروانی درباره کبوتری به نام توفان است که درپی یافتن دوستانش که شهر خود را به مقصد مکانی دوردست در مشرق ترک کرده‌اند پرواز می‌کند. پرنندگان باور داشتند که در سرزمین شرق، مکانی وجود دارد که همه کبوترها در آرامش و خوشبختی و به دور از اذیت و آزار انسان‌های بی‌توجه و سنگدل زندگی می‌کنند.

توفان (شخصیت اصلی داستان) که ابتدا وجود چنین جایی را باور ندارد تنها به قصد پیداکردن و بازگرداندن دوستان خود راهی آن مکان دوردست شده و در مسیر با ماجراهای متعددی روبه‌رو می‌شود. در این بین دو کلاغ ضرور که از او کینه به دل گرفته‌اند وی را تعقیب کرده و موجب دردسرهایی برایش می‌شوند. هر چه جلوتر می‌رود درپی رسیدن به آن سرزمین رمزآلود کنج‌کاوتر می‌شود. کم‌کم او خود نیز برای پیداکردن آن سرزمین مصمم‌تر می‌شود.

در نهایت او با تلاش فراوان و با وجود تحمل سختی‌های بسیار به آن شهر مقدس می‌رسد و دوستان خود را نیز آنجا پیدا می‌کند. توفان قبل از رسیدن به حرم آقای مهربان به دام یک کفترباز می‌افتد ولی ...



به آن اهمیت داده شده و علاوه بر آن پاسخ به سوالات و شبهات و داشتن رویکرد بین‌المللی باید مورد توجه قرار گیرد. جواد شیخ‌الکبری نیز افزود: بایستوانه علمی حوزه، شورای معارف سیما می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق به اهداف از پیش تعیین شده خود برسد و باعث رشد و ارتقای برنامه‌های معارفی در شبکه‌های سیما شود.



## دنیا برایش صفر بود



**شهربانو موسوی** در سریال متهم گریخت نقش بی‌بی (مادر سیروس گرجستانی) را بازی کرده بود. او در حالی که اشک می‌ریخت، پاسخگوی تلفن ما شد و تأکید کرد که مشغول گذاشتن پیام برای فوت

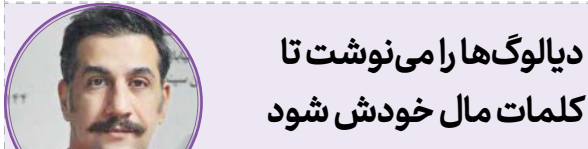
سیروس گرجستانی است. وی این طور ادامه می‌دهد: کجای دنیا مادر می‌ماند و بچه کوچ می‌کند. واقعاً شرایط روحی‌ام خوب نیست و به شدت از فوت او متأثر شدم. اصلاً فکرش را هم نمی‌کردم. او بسیاری بی‌آزار و دنیا برایش صفر بود. دلش نمی‌آمد به کسی حرفی بزند. واقعاً خدانشناس، دلسوز و انسان‌دوست بود. معتقدم جایگزینی برای او نداریم. او بنده خاص خدا بود. در روزگاری که معمولاً کسی را برای کار معرفی نمی‌کنند، اما او بی‌منت این کار را انجام می‌داد و معتقد بود روزی رسان خداست. واقعاً از دست‌دادن او بسیار حیف شد. از دید گرجستانی، دنیا هیچ ارزشی نداشت که بدی کنیم.

## مثل پدر دلسوز و مهربان



**ملیکا زارعی، مجری کودک و بازیگر:** به یاد دارم سریال پربیننده «متهم گریخت» را با گروه بسیار حرفه‌ای کار کردیم و زنده یاد آقای سیروس گرجستانی هم در این سریال حضور داشتند. آنچه

همیشه در ذهنم از خاطرات و عملکردشان به یاد مانده، این است که رفتارشان با کسانی که به تازگی وارد عرصه هنر شدند، منحصr به فرد بود. در این سریال آقای گرجستانی نقش پدر سریال متهم گریخت را بازی می‌کرد و من نقش دخترشان را. دقیقاً مثل پدر، دلسوزانه در کنار گروه بود و مثل خانواده خودشان ما را می‌دید. نسبت به ادب و احترام از طرف کوچک‌تر به بزرگ‌تر همیشه متذکر می‌شدند و تأکید می‌کردند به بزرگ‌ترا احترام بگذارید و در جمعی که وارد می‌شوید با صدای بلند سلام کنید و هرگز بی احترامی نکنید. بی احترامی، او را بسیار ناراحت می‌کرد و دوست نداشت هیچ‌کس را غمگین ببیند. به همه عوامل تأکید می‌کرد حتی در لحظات سخت هم لبخند بزنند و با انرژی کارشان را انجام بدهند. عاشق کارش بود و مخاطبان را خیلی دوست داشت. احترام و توجه به مخاطبان یکی از ویژگی‌های زنده یاد گرجستانی بود و همه از او یاد گرفتیم. فوت او واقعاً غیرقابل باور بود و از روز پنجشنبه مرتب واژه حیف، حیف و حیف را می‌شنوم. جای‌شان خالی، اما پادشان تا ابد گرامی و زنده باد.



## دیالوگ‌ها را می‌نوشت تا

## کلمات مال خودش شود

**محمد نادری بازیگر** که در سریال طنز «دنگ و فنگ روزگار» با سیروس گرجستانی همبازی بود، درباره ویژگی‌های کاری و اخلاقی سیروس گرجستانی می‌گوید: در سریال «دنگ و فنگ روزگار» این فرصت نصیبم شد که با زنده‌یاد گرجستانی برای اولین بار همبازی شوم. او یک حرفه‌ای به تمام معنی بود که بعد از گذشت پنج دهه فعالیت مستمر در حوزه بازیگری همچنان پرنانگیزه بود. یادم می‌آید هر روزی که فیلمبرداری تمام می‌شد در وقت آماده شدن برای رفتن به خانه، دیالوگ‌های صحنه‌هایی که فردا قرار بود بازی کند را با دقت می‌نوشت و به منزل می‌برد و ساعت‌ها روی آن کار می‌کرد؛ این ویژگی کمیابی است در روزگار فست‌فود و حاضری‌خوری.

نادری ادامه می‌دهد: یادم است وقتی یک بار کنج‌کاو شدم و از ایشان پرسیدم موقعی که فیلمنامه چاپی آماده در اختیار شما است به چه دلیل دوباره آن را می‌نویسید و به خانه می‌برید پاسخ داد موقعی که دیالوگ‌ها را می‌نویسم انگاری کلمات مال خودم می‌شود. تمرینات مستمری که برای ایفای نقشش انجام می‌داد نشأت‌گرفته از روحیه تئاتری او بود و همه چیزش با حساب و کتاب و نظم بود و برخورد خوبی با سایرین داشت.

محمد نادری با اشاره به احترام مرحوم گرجستانی به پاترن‌هایش در حین بازی می‌افزاید: به عوان رانتر بسیار مسؤولیت‌پذیر و همراه بود و بارها پیش‌آمد در صحنه‌هایی که او بازی نداشت و من بازی داشتم با خواهش من روبه‌روی من پشت دوربین می‌نخستست و در بهتر شدن حس و حال بازی به من کمک می‌کرد و البته این کار را را رغبت و میل قبول می‌کرد.

این بازیگر درباره رازهای ماندگاری و حضور موفق مرحوم گرجستانی در دو دهه اخیر در سریال‌های طنز تلویزیون عنوان می‌کند: مهم‌ترین دلایلش این بود که تلاش نمی‌کرد کم‌دی و گل‌درشت بازی کند و تبحرش در ارائه کم‌دی موقعیت بود و نقش‌هایش را باورپذیر بازی می‌کرد و حتی اگر فیلمنامه کم‌مایه بود خودش با تجربیاتش بر آن می‌افزود تا مخاطب لذت ببرد.



## آرزوی بغل کردن او به دل

## پسرش ماند

**مهران غفوریان** که همزمان تلفنی «پنجشنبه جمعه» رادیو ایران بود، در گفت‌وگو با منصور ضابطیان گفت: منزل آقای گرجستانی بوم و سیاوش پسر او می‌گفت شب قبل از مرگ او می‌خواستیم بابا را بغل کنم، اما اجازه نداد و گفت باید جواب تست کرونا‌ی او بیاید و ببیند تست کرونا مثبت است یا منفی. در راه خانه بودم که گفتند تست کرونا‌ی پدر منفی است. پسر آقای گرجستانی گریه می‌کرد و می‌گفت ای کاش زودتر گفته بودند و من پدرم را بغل کرده بودم.

غفوریان با اشاره به خاطره‌ای از سیروس گرجستانی گفت: افتخار این را داشتم که در بسیاری از کارها با او همکاری بودم. جمله فیلم «نارودن» آقای حسن‌پور و سریال «زن بابا» که یکی از کارهای خاطره‌انگیز من با آقای گرجستانی بود.

در خاطرم هست یک سکانس ۹ دقیقه‌ای مشترک سر سریال «زن بابا» به کارگردانی سعید آقاخانی با آقای گرجستانی داشتیم. او استاد و پیشکسوت من بود و این همکاری برایم افتخار بود. بازی او آنقدر شیرین و جذاب بود که اصلاً احساس نمی‌شد این سکانس ۹ دقیقه‌ای است.

## دیدار دبیر شورای معارف سیما با آیت ... اعرافی، مدیر حوزه علمیه‌های کشور

دانست و ضمن تجلیل از اقدامات این شبکه خاطر نشان کرد: شبکه قرآن و معارف سیمایک شبکه مقبول و جا افتاده است و رسالت‌های مهمی نیز بر دوش دارد و خدمات و فعالیت‌های آن جای تقدیر و تشکر دارد. تجلی تمامیت حوزه و بازنمایی حوزه و روحانیت در قالب هنر و رسانه و فضای مجازی از برنامه‌هایی است که در حوزه

جواد شیخ‌الکبری با آیت ... اعرافی در شب ولادت امام رضا (علیه‌السلام) در قم با ایشان دیدار و درخصوص نحوه همکاری شورای معارف سیما و حوزه علمیه قم گفت‌وگو کردند. به گزارش جام‌جم، در این دیدار آیت ... اعرافی ضمن تشکر و قدردانی از شبکه قرآن و معارف سیما، این شبکه را در انجام امورات و وظایف معارفی خود موفق

### گفت‌وگویی منتشر نشده از سیروس گرجستانی

# مدام از من بداهه می‌خواهند!

سیروس گرجستانی با وجود رزومه قابل‌تأملی که در ایفای نقش‌های متفاوت از کم‌دی گرفته تا ملودرام، تاریخی و مذهبی داشت، ولی اواخر عمر بیشتر به عنوان بازیگری مطلوب ایفای نقش در سریال‌های روتین و عمدتاً طنز به کار گرفته شد؛

مسأله‌ای که هرچند مخاطبان به خاطر جنس بداهه‌های گرجستانی از آن استقبال می‌کردند ولی گرجستانی خودش زیاد به آنها علاقه نداشت و همچنان خواهان این بود که نقش‌های متفاوت در ژانرهای غیرکم‌دی به او پیشنهاد شود. نزدیک به یک دهه قبل گرجستانی همزمان با ایفای نقش در سریال طنز «سه دونگ سه دونگ» درباره علاقه‌اش برای ارائه شخصیت‌های متفاوت و همکاری با بزرگان کارگردانی حرف زده بود. با گذشت سال‌ها از پخش سریال سه دونگ سه دونگ، این مصاحبه کار نشد اما حالا که گرجستانی میان ما نیست، خواندن حرف‌های صادقانه‌اش خالی از لطف نیست.

**آین‌که در سال‌های اخیر بیشتر در سریال‌های روتین و آن هم طنز ایفای نقش کرده‌اید از کجاشات گرفته؟ خواسته‌بودن‌تان است یا جبر زمانه؟**

مسأله فقط بازی در کار طنز نیست، مساله حاضری خوری نویسندگان هم هست که وقتی دیدند کاری مانند «متهم گریخت» گل کرده و حسابی گرفته‌است، سعی کردند متن‌هایی بنویسند با حال و هوای همان شخصیت «آقاهاشم» ولی واقعیت آن است که من بازیگری هستم که هم «کیف انگلیسی» را داشتم‌ام، هم «ولایت عشق» را، هم «شیخ مفید» را و هم «امام علی‌ع)». را. اما چه کنم که همه می‌خواهند مرا در فیلم‌های سوپری به کار گیرند؟

**فیلم‌های سوپری؟**

منظورم فیلم‌های «سوپرمارکتی» است که مانند همه اقلام ضروری که در سوپرمارکت‌ها یافت می‌شود فقط به درد وقت‌گذرانی می‌خورد. به هر حال زمانی است که با کارگردانانی همچون داوود میرباقری یا سیدضیاءالدین دری یا فخیم زاده یا مرضیه برومند و عطاران کار می‌کنید که آن قدر بر متن اشراف دارند که لحظه به لحظه کارتان می‌شود لذت بردن از بازیگری. زمانی هم هست که گرفتار فیلم‌های سوپرمارکتی می‌شوید و مدام از شما بداهه می‌خواهند و شما باید با ذهن خودتان به شخصیت و حتی ادامه فیلمنامه، جهت دهید.

**البته در همین کارهای سوپرمارکتی باز سکانس‌های شمال‌بخند را بر لب مخاطب می‌نشانند.**

تئاتر یک ویژگی مهم به بازیگر می‌دهد و آن هم وسواس است که باعث می‌شود هر نقشی را نپذیرید. علاوه بر این، به بازیگر می‌آموزد توانمندی‌اش را آن قدر بالا ببرد تا بتواند با حداقلی از متن، کلیم خود را از آب بیرون بکشد. بازیگران تئاتری که بعد از انقلاب وارد سینما و تلویزیون شدند خیلی زود درخشیدند، چرا که اساساً به فکر ارائه تصویر خوش آب و رنگ از خودشان نبودند و سعی می‌کردند لذت دراماتیک را با بازی خود بالا ببرند.

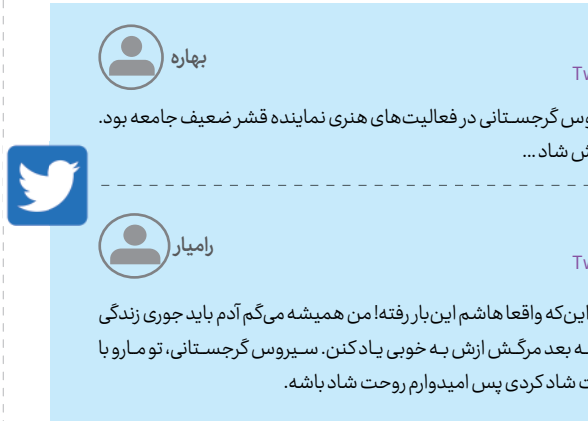
## فوتبالیستی که بازیگر شد

شاید خیلی‌ها ندانند سیروس گرجستانی، بازیکن سابق تیم فوتبال شاهین تهران بوده‌است. او در این باره به جام‌جم گفته بود: «موقعی که دبیرستان می‌رفتم، چهار سال تیم شاهین سابق بودم. دفاع وسط بازی می‌کردم. خیلی کوبیدم بروم تیم ملی. رفقای من مثل همایون بهزادی و حمید شیرزادگان رفتند تیم ملی و من خیلی ناراحت بودم چرا نرفتم. ولی دیپلم که گرفتم حساب کردم باید کار کنم. ما زیاد دارا نبودیم. پدرم ندار بود. باید از پس مخارج زندگی برمی‌آدم. آن‌موقع باشگاه‌ها پول نمی‌دادند. مجبور شدم در آن دورانی که می‌کوبیدم بروم تیم ملی، پی کار باشم تا پول درآورم. این شد که ورزش را کنار گذاشتم. رفتم اداره تئاتر و استخدام شدم.»

## رفاقت کارساز

او سال ۸۴ در گفت‌وگویی درباره آغاز کارش بیان کرده‌بود: «حدود سال‌های ۴۸- ۴۷ بود. پس از گرفتن دیپلم، روزی به دعوت هنرمند فقید مرحوم هادی اسلامی به اداره تئاتر رفتم. من عاشق فیلم‌دیدن و سینمارفتن بودم و درواقع با تئاتر، بیگانه. در اداره تئاتر با دیدن کار هنرمندان و بازیگرانی که با شور و هیجان کار می‌کردند به تئاتر علاقه‌مند شدم. بسیاری از هنرمندان محبوب و موفق حال حاضر آنجا بودند. نظیر آقای رنجانبور، آقای شکیبایی و ... خلاصه قرار شد که من هم یک نقش کوچک و آب‌حوضی در نمایشنامه‌ای که خود هادی اسلامی نوشته بود، بازی کنم. نتیجه کار خوب بود و تشویق دوستان را در پی داشت و من نیز پی‌بردم که خمیره این کار را در وجودم دارم. به مرور زمان این حس کوچک را تقویت کردم و آن را از درونم بیرون کشیدم. الان هم که با شما صحبت می‌کنم، می‌دانم که خیلی خلاقیت‌ها در من هست که هنوز از آنها استفاده نکرده‌ام. شاید روزی کارگردانی پیدا شود و این نکته‌ها را ببیند و از من بخواهد که انجام‌شان دهم.»

او درباره رفاقتش با هادی اسلامی هم گفت: «خدا رحمتش کند. هرچه در این کار دارم، از او دارم. گفتم، ایشان مرا وارد این کار کرد. من پس از دیپلم،



مثل این‌که واقعاًهاشم این‌بار فترانه من همیشه می‌گم آدم باید جوری زندگی کنه که بعد مرگش ازش به خوبی یاد کنن. سیروس گرجستانی، تو مارو با بازیات شاد کردی پس امیدوارم روحت شاد باشه.

